



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۹، زمستان ۹۷

## تحلیل رابطه بین مشارکت سیاسی و تخصیص منابع در ایران<sup>۱</sup>

هادی حکیمی<sup>۲</sup>، ایرج تیموری<sup>۳</sup>، محمد تقی معبودی<sup>۴</sup>

### چکیده

بودجه‌ریزی دولتی در هر کشوری متأثر از رفتار چهار گروه عمده اجتماعی یعنی رأی‌دهندگان (یا تأمین‌کنندگان هزینه‌ها)، تیم سیاسی (شکل‌دهندگان هزینه‌ها)، بوروکرات‌ها (هزینه‌کنندگان) و گروه‌های فشار (جهت‌دهندگان هزینه‌ها) است. از منظر رهیافت انتخاب عمومی، این گروه‌ها متفاوت با یکدیگر رفتار نمی‌کنند و در عملکرد خود همواره گوشه‌چشمی به منافع شخصی خواهند داشت. پژوهش حاضر با هدف تحلیل رابطه بین میزان مشارکت سیاسی (درصد رأی‌دهندگان در انتخابات ریاست جمهوری) و تخصیص منابع در ایران انجام گرفته است. تحقیق از جهت ماهیت و روش، تحلیلی - توصیفی به شمار می‌رود. در این راستا از داده‌های مربوط به اعتبارات سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۸۱، ۱۳۸۴، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۰ و همچنین درصد رأی‌دهندگان استان‌های کشور در ۴ دوره انتخابات ریاست جمهوری استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش‌های کمی شامل تحلیل همبستگی، تحلیل رگرسیون و تحلیل آنوابره گرفته شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین اعتبار تخصیص یافته و مشارکت سیاسی استان‌ها (درصد شرکت‌کنندگان در انتخابات ریاست جمهوری) در سال‌های منتخب همبستگی معنی‌داری وجود دارد؛ به طوری که اعتبارات تخصیص یافته در سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۸۱،

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۷

۲. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز؛ رایانامه: h.hakimi@tabrizu.ac.ir

۳. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز؛ رایانامه: iraj-teymuri@tabrizu.ac.ir

۴. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)؛ رایانامه:

mohammad.maboodi@gmail.com



۱۳۸۴، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۰ با درصد رأی دهندگان انتخابات ریاست جمهوری به ترتیب با ۰/۷۴۱، ۰/۷۶۶، ۰/۶۰۶، ۰/۴۶۶، ۰/۴۸۲ همبستگی در سطح ۰/۰۱ درصد معنی دار است. همچنین نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون و آنوا نیز مؤید این موضوع است.

**کلیدواژه‌ها:** مشارکت سیاسی، تخصیص منابع، دولت رانتیر، ایران

## ۱. مقدمه

در سی سال نخستین پس از جنگ جهانی دوم، مسئله نیاز توسعه به برنامه‌ریزی و اجرا توسط دولت امری بدیهی در مطالعات آکادمیک و نگاه دست‌اندرکاران قلمداد می‌شد. باین حال، تحلیل‌های دقیق از سیاست دولت‌ها و در نتیجه سیاست‌های توسعه‌ای آن‌ها از زمانی مورد توجه قرار گرفت که مشخص شد تنها دولت‌های انگشت‌شماری در آمریکای لاتین، آسیا یا آفریقا توانسته‌اند در مدیریت فرآیند توسعه موفقیت‌هایی از خود نشان دهند و اکثر دولت‌های این مناطق در این امر ناموفق بوده‌اند (برنل و رندال، ۱۳۸۷: ۲۴). توزیع منابع و قواعد حاکم بر اقتصاد مهم‌ترین مسئله در توسعه اقتصادی هستند. اقتصادهای غربی مدت زمان طولانی است که تحولات اقتصادی و سیاسی را پشت سر گذاشته و به سطح درآمد، سرانه بالا و سطوح یکسان نابرابری درآمدی قابل قبول دست یافته‌اند. در حالی که در کشورهای در حال توسعه، عملکرد اقتصادی منعکس‌کننده ترتیبات نهادی هستند که در دوره استعمار ایجاد و توسط دولت‌های پس از استعمار به ارث برده شده‌اند و مانعی برای توسعه محسوب می‌شوند (Easaw et al, 2009: 2). علت اصلی عقب‌ماندگی اقتصادی این کشورها را نیز باید در عملکرد نهادی سیاسی - اقتصادی آن‌ها پی گرفت (Acemoglu et al, 2005: 403). همچنین علل دیگری نیز از همین چشم‌انداز اقتصادی از جمله نظریه‌های نفرین منابع و عدم تطبیق آرایش سیاسی با استراتژی‌های توسعه و نیز فقدان یک نظم دسترسی محدود (به تعبیر نورثی آن) می‌توانند عوامل تعیین‌کننده‌های بر سر راه توسعه کشورهای در حال توسعه محسوب شوند؛ به طوری که نورث در این زمینه به موضوع دسترسی محدود به منابع و دسترسی باز به منابع اشاره دارد. نکته اساسی در تحلیل نورث و همکارانش این است که توسعه به معنای تحول از نظم دسترسی محدود به نظم دسترسی باز است که با رشد اقتصادی تفاوت دارد؛ یعنی ممکن است جامعه با نظم دسترسی محدود رشد اقتصادی بیابد اما لزوماً توسعه پیدا نمی‌کند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۷). همچنین نهاد‌گرایان در تعیین مسائل توسعه‌نیافتگی کشورهای در حال توسعه معتقدند مدیران این کشورها اکثراً از فرصت‌هایی حمایت می‌کنند که مشوق توزیع درآمدند تا تولید بیشتر درآمدها و نیز گسترش‌دهنده فعالیت‌های توزیعی یا بازتوزیعی‌اند تا فعالیت‌های تولیدی. سازمان‌های فعال در جهان در حال توسعه بیشتر توسعه‌دهنده انحصارند تا رقابت و



محدود کننده فرصت‌ها هستند تا خالق آن‌ها. این سازمان‌ها کارآمدند، اما در جهت افزایش سود خود و ناکارا کردن نهادهای موجود. بنابراین، نهادهای ناقص در این کشورها موجب پدید آمدن سازمان‌های ناکارا و عملکرد اقتصادی ضعیف می‌شوند. در مجموع باید عنوان کرد که نهاد گرایان معتقدند جهت رسیدن به توسعه اقتصادی و صنعتی، توسعه نهادی در جهت کاهش مخاطرات و هزینه‌های مبادلاتی ضرورت دارد و این دو به صورت دوسویه موجب تقویت یا تضعیف یکدیگر می‌شوند.

کشورهای در حال توسعه در چند دهه گذشته به دنبال کشف راه‌های مؤثر برای حرکت سریع در مسیر توسعه بوده‌اند و همواره در این کشورها پرسش‌های معماگونه‌ای درباره توسعه، چه میان مردم و چه میان صاحب‌نظران عرصه اقتصاد و سیاست مطرح بوده است. متأسفانه نمونه‌ها و الگوهای موفق در مسیر حرکت به سمت توسعه اندک بوده و اکثر تجربه‌های توسعه‌ای جهان در حال توسعه با موفقیت روبرو نبوده‌اند. بحث درباره الگوهای «دولت‌محور» توسعه در کشورهای در حال توسعه، به طور معمول به چند الگوی رایج اشاره می‌کند که در این خصوص می‌توان به الگوی دولت اقتدارگرا - بوروکراتیک در آمریکای لاتین، الگوی دولت توسعه‌گرا در شرق آسیا و الگوی دولت رانتیر در خاورمیانه اشاره کرد. هریک از این دولت‌ها بنابر بستر اجتماعی و تاریخی شکل‌گیری و قابلیت‌های نهادی خود، دستاوردهای متفاوتی در کمک به توسعه جوامع خود داشته‌اند (میرترابی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰). دولت در کشورهایی که اقتصاد آن‌ها به صادرات منابع طبیعی چون نفت، گاز، مواد معدنی و... وابسته است، نقش کلیدی در توزیع منافع حاصل این منابع ایفا می‌کند؛ به طوری که در یک اقتصاد تحت سلطه منابع طبیعی، مدیریت رانت حاصل از این منابع یکی از مهم‌ترین وظایف دولت محسوب می‌شود (El-Katiri et al, 2011:2).

بحث گسترده‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه بسیاری از کشورهایی که به لحاظ منابع طبیعی ثروتمندند یک تضاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را تجربه می‌کنند که از این پدیده تحت عناوین «پارادوکس وفور» یا «نفرین منابع» یاد می‌شود. صرف‌نظر از اینکه این پدیده تحت چه عنوانی نام‌گذاری می‌شود، یک بحث کلی وجود دارد که کشورهای دارنده منابع غنی در سطح پایین عملکرد اقتصادی و مشکلات دموکراسی قرار دارند (Almaz, 2015:60). دولت‌های رانتیر اساساً رانت را به شیوه نابرابری در سطح جامعه توزیع می‌کنند. در یک جامعه با ساختار رانتیر تمام افراد کم‌ویش از مزایای ناشی از رانت بهره‌مند می‌شوند، اما میزان بهره‌مندی افراد از این رانت به شدت متفاوت است. دولت رانتیر اساساً از رانت به عنوان ابزاری

5. Paradox of plenty

6. Resource curse



برای کسب رضایت افراد جامعه و بالابردن مشروعیت خود استفاده می‌کند. یک دولت توزیع-کننده رانت برخلاف دولت متکی به مالیات که باید انرژی فراوانی را صرف استخراج درآمدهای موردنیازش کند، صرفاً باید تصمیم بگیرد که کدام یک از گروه‌های اجتماعی در دریافت رانت-های نفتی برتری دارند (همایون کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۹۸). بنابراین در همین ارتباط است که حازم بیللوی<sup>۷</sup> و لوسیانی<sup>۸</sup> خاطر نشان می‌کنند که درآمدهای نفتی دولت را قادر می‌سازد که اتفاق نظر سیاسی را به سود خود خریداری کند (فضلی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۵). در کشورهای نفت‌خیز، دولت‌ها نقشی اساسی در مدیریت و صیانت از منابع طبیعی از جمله نفت دارند. شاید بتوان میزان توسعه‌یافتگی یا عقب‌ماندگی این کشورها را به نحوه اداره امور توسط دولت‌های متبوعشان مرتبط دانست (علیخانی، ۱۳۸۶: ۳). از حیث سیاسی، رانت نفت موجب جدایی دولت از مردم و سلطه نهاد دولت بر جامعه می‌شود. در اقتصادهای غیررانتی در آمد دولت عمدتاً از محل جمع‌آوری مالیات است، اما در کشورهای نفت‌خیز توسعه نیافته و در حال رشد بخش قابل توجهی از درآمد دولت از محل صادرات نفت است. این امر موجب استقلال دولت از اقشار و طبقات اجتماعی، وابسته شدن اقشار و طبقات اجتماعی به نهاد دولت و قرار گرفتن این نهاد بر فراز جامعه می‌شود. استقلال مالی دولت به آن اجازه می‌دهد تا خواست‌های خود را بر جامعه تحمیل کند. این امر با استفاده از ابزارهای متعددی انجام می‌پذیرد که گسترش مداخله دولت در امور اقتصادی، توزیع رانت نفت جهت جلب حمایت سیاسی و گسترش ابزارهای سرکوب از اشکالات اصلی آن است (سردار آبادی، ۱۳۸۳: ۶۹) در جوامعی که دولت عمدتاً به جمع‌آوری مالیات متکی است، وابستگی‌اش به ساختار اقتصادی و اجتماعی قوی است. این امر انگیزه‌های نیرومندی برای دموکراتیزه شدن نظام سیاسی کشور به وجود می‌آورد. برعکس در نظام‌هایی که تحت سلطه مالکیت و مدیریت دولت هستند این انگیزه بسیار ضعیف است. به همین ترتیب، در اقتصادهای رانتی که بخش بزرگی از درآمد دولت از محل صادرات کالاهایی مانند نفت و الماس است، درجه وابستگی دولت به اقشار اجتماعی سست است. این امر موجب استقلال مالی دولت می‌شود و انگیزه دموکراتیزه شدن سیستم را تضعیف می‌کند (عیوضی، ۱۳۸۸: ۶۶). البته لازم به ذکر است که مطالعات نونهاد‌گرایانی مانند نورث و همکاران این گزاره‌ها را زیر سوال برده است. نورث با تعریف نهادها به عنوان قواعد بازی بر محیط نهادی در توسعه کشورها تاکید دارد و معتقد است نهادها به وجود می‌آیند که بر مسئله نااطمینانی غلبه کنند و تعاملات کنشگران را جهت بخشند. در عین حال، کنشگران از طریق سازمان‌ها که در بستر نهادها زاده می‌شوند و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند با یکدیگر تعامل می‌کنند.

7. Hazem Beblawi

8. Lochiani



سازمان‌ها متشکل از گروهی از افراد هستند که برای تحقق اهدافی نسبتاً مشترک گرد هم آمده‌اند و به تبع مجموعه فرصت‌هایی فعالیت می‌کنند که از قیود نهادی و سنتی نظریه اقتصادی نشأت می‌گیرند، اما اصلی‌ترین بازتاب نهادها در قوانین رسمی جامعه است که شامل قوانین سیاسی (و قضایی)، قوانین اقتصادی و قراردادهاست. قوانین سیاسی ساختار حاکمیت، ساختار تصمیم‌گیری و سطوح نظارتی را تعیین می‌کنند و قوانین اقتصادی نحوه برخورداری از دارایی و انتفاع از درآمدهای ناشی از آن و همچنین توانایی و نحوه انتقال منابع را در قالب حقوق مالکیت مشخص می‌کنند. البته دولت به عنوان یک سازمان اقتصادی - سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای در وضع و اعمال این قوانین دارد (توفیقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳). مله‌وم و همکاران (۲۰۰۶) علت تفاوت رشد بالا و پایین بین کشورهای با منابع طبیعی فراوان را تفاوت در سطح کیفیت نهادی هر کشور می‌دانند. به این معنی که سطح کیفیت نهادها چگونگی توزیع رانت منابع طبیعی در اقتصاد را مشخص می‌کند. بنابراین این کیفیت نهادی است که توضیح می‌دهد چرا و چگونه منابع طبیعی در یک کشور نقش بلا و در دیگری نقش شکوفاکننده دارد. زمانی که کیفیت نهادی از یک حد آستانه‌ای بالاتر باشد، حتی با وجود درآمدهای منابع طبیعی، اقتصاد در یک تعادل تولیدی قرار دارد؛ یعنی فعالیت تولیدی وجه غالب اقتصاد را تشکیل می‌دهد. در مقابل وقتی کیفیت نهادی از این حد آستانه‌ای پایین‌تر باشد آن‌گاه اقتصاد در تعادل رانت‌جویی قرار می‌گیرد. این گزاره نشان می‌دهد که منابع طبیعی چگونه ترتیبات نهادی را در معرض آزمایش و چالش قرار می‌دهد (همان: ۲۹).

ویلیامسون از نوپردازان معتقد است که نسخه واحد و جهانشمولی برای حل توسعه - نیافتگی کشورها وجود ندارد بلکه با در نظر گرفتن سه قضیه زیر باید برنامه توسعه ویژه‌ای برای حل مسائل هر یک از کشورها به صورت مجزا و براساس زمینه‌های تاریخی تهیه کرد:

۱. تجزیه تحلیل‌های موجود در هر کشور؛

۲. جزئی‌نگری و اقدامات عملی در اجرای برنامه‌های توسعه؛

۳. توجه به تحلیل‌های واقع‌نگر (در مقابل ارزش‌نگر).

منظور از تحلیل‌های واقع‌نگر (تحقیقی) نظم خصوصی و ساماندهی غیررسمی است که در مقابل ارزش‌نگر (دستوری) قرار می‌گیرد و شامل نظم است که از طریق قوانین و دادگاه‌ها ایجاد می‌شود. به بیان دیگر، بیشتر نهاد‌های پیش‌برنده توسعه باید از طریق اصلاحات فرهنگی ایجاد شود (متوسلی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۶).

انتخابات یکی از ابزارهایی است که در آن اولویت‌های شهروندان برای شکل‌گیری سیاست ملی با هم جمع می‌شوند. میزان برابری در مشارکت سیاسی می‌تواند عدالت گسترده و تأثیرات کارایی را به دنبال داشته باشد. اگر یک طبقه اجتماعی - اقتصادی یا جمعیتی به صورت



سیستماتیک مشارکت فعالی نسبت به سایر گروه‌ها داشته باشد، احزاب و سیاستمداران به تأمین خواسته‌های آنان علاقه بیشتری نشان می‌دهند و سیاست‌های اتخاذ شده منافع بیشتری نسبت به گروه‌های دیگر به آن‌ها عرضه خواهد کرد (Benabou, 2000: 98).

در نظام‌های سیاسی که دولت از رانت اقتصادی بالایی برخوردار است، رانت حاصل از منابع اهرمی است که دولت می‌تواند از آن برای جلب حمایت سیاسی شهروندان و مناطق جغرافیایی به نفع خود استفاده کند. در سیستم‌هایی که میزان بالایی از رانت منابع موجود است، سیاست‌ها توسط مسائل مرتبط با توزیع رانت منابع تعیین می‌شوند نه براساس ایدئولوژی. رأی‌دهندگان احزابی را انتخاب می‌کنند که وعده تخصیص رانت منابع طبیعی را به مناطق، محلات و گروه‌ها داده‌اند و احزاب تلاش می‌کنند بیشترین قدرت سیاسی را به دست آورند. در سیستم‌های با احزاب مخالف، متصدیان رانت منابع را به روش داووسیان<sup>۹</sup> ارائه می‌کنند و در تلاش برای به دست آوردن حداقل ائتلاف احزاب برنده در راستای حفظ قدرت هستند. در سیستم‌های با فقدان حزب مخالف معتبر، رانت منابع به گروهی از رأی‌دهندگان برای جلب حمایت سیاسی‌شان تخصیص می‌یابد (Jensen et al, 2004: 819).

دولت‌های ایران پس از جنگ تحمیلی بادرک نیاز کشور به بازسازی و توسعه، برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی را تدوین کرده‌اند. در تمامی این برنامه‌ها با وجود تأکید بر کوچک‌سازی دولت، کاهش وابستگی به نفت و توسعه پایدار همچنان شاهد وابستگی عمده اقتصاد ایران به نفت، افزایش حجم دولت و ناتوانی در رسیدن به اهداف تعیین شده در برنامه‌های توسعه هستیم. به نظر می‌رسد از منظر اقتصادی، وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی، تصدی‌گری دولت در امور اقتصادی و اعطای گزینشی یارانه‌ها، مجوزها، امتیازات و معافیت‌ها مانع شکل‌گیری یک بازار رقابتی شده که در آن فعالان بخش خصوصی بتوانند به تولید و ارائه خدمات بپردازند (پناهی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۰). از این رو با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از صادرات نفت و نقش دولت در توزیع اعتبارات بین مناطق جغرافیایی (استان‌ها)، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین میزان مشارکت سیاسی استان‌ها (شرکت‌کنندگان در انتخابات ریاست جمهوری) و اعتبارات تخصیص یافته به آن‌ها (۱۳۹۲-۱۳۷۵) انجام گرفته و در این راستا سوال اصلی پژوهش به صورت ذیل مطرح می‌شود:

آیا بین میزان مشارکت سیاسی (شرکت در انتخابات ریاست جمهوری) استان‌های کشور با اعتبارات تخصیص یافته به آن‌ها رابطه وجود دارد؟

۹. Downsian fashion



## ۲. مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

### ۲.۱. مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی به عنوان یکی از شرایط اساسی دموکراسی کارآمد توصیف شده (Norris, 2002: 5) و کیفیت دموکراسی و توانایی آن در ارتباط دادن شهروندان به رهبران سیاسی، امروزه به یک مسئله مهم سیاسی تبدیل شده است (Vrablikova, 2010: 1). مشارکت سیاسی پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است؛ از این رو تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است؛ به طوری که دایره‌المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی مشارکت سیاسی را فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی تعریف کرده است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۲۲). همچنین مشارکت سیاسی به فرایندی اشاره دارد که از طریق آن شهروندان می‌توانند در فضای سیاسی جامعه نقش ایفا کنند و در بحث اهداف کلی جامعه و تصمیم‌گیری برای انتخاب بهترین شیوه انجام آن‌ها مشارکت داشته باشند (Refaei, 2015: 5). رأی‌دهی و مشارکت در انتخابات آشکارترین نوع مشارکت سیاسی برای اغلب شهروندان در جوامع مردم‌سالار است. رأی‌دادن موثرترین و عملی‌ترین وسیله برای شهروندان است تا افکار و عقاید خود را در اداره امور عمومی و اجتماعی اعمال کنند. اساسی‌ترین عملکرد مشارکت رأی‌دهی، فرصت دادن برای جانشینی و انتقال مناصب و مسئولیت‌ها در جامعه است. بنابراین مشارکت سیاسی به فعالیت‌های داوطلبانه و آزادانه اعضای یک جامعه (چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی) در امور حکومتی و سیاسی اطلاق می‌شود که با هدف تاثیرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیم‌های سیاسی کشور صورت می‌گیرد. (نظری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۸).

### ۲.۲. نظریات مشارکت سیاسی با رویکرد اقتصادی - اجتماعی

با توجه مفهوم مشارکت سیاسی، این سوال پیش می‌آید که چرا مردم در فعالیت‌های سیاسی مشارکت دارند و چه عواملی در این زمینه تعیین‌کننده هستند؟ نظریات متعددی در ابعاد جامعه‌شناختی، روانشناختی، اقتصادی و تلفیقی توسط محققان مختلف مطرح شده است که در این بخش برخی از آن‌ها که قادر به تبیین ارتباط بین مشارکت سیاسی (شرکت در انتخابات) و تخصیص اعتبارات هستند، بررسی می‌شود:

### ۲.۲.۱. نظریات اقتصادی

این دسته نظریاتی هستند که بر جنبه‌های اقتصادی رأی‌دادن تأکید دارند. وربا و نای (۱۹۷۹) به عنوان نظریه پردازان این حوزه، با مطالعه رفتار رأی‌دهندگان آمریکایی دریافتند که آنان



کمتر تحت تأثیر مسائل محیطی و جامعه‌شناختی یا روانی اند. آن‌ها معتقدند که رأی‌دهندگان با مطالعه موضوعات مطرح شده از سوی نامزدها و برنامه‌های احزاب سیاسی پا به عرصه سیاست می‌گذارند و حزبی را برمی‌گزینند که منافع آنان را بیشتر تأمین کند. این دیدگاه که برینش فردگرایانه استوار است، مشارکت سیاسی را برخاسته از ملاحظات عقلانی افراد و محاسبه سود و زیان شخصی آنان می‌داند. چنین رویکردی نسبت به پدیده‌های سیاسی، اساساً رویکردی اقتصادمحور است (بشیریه، ۱۳۷۷: ۱۸۸-۱۸۷). یکی از نظریات مطرح در این زمینه، نظریه آنتونی داونز<sup>۱۱</sup> است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

داونز موضوع یک فرد محاسبه‌گر عقلانی را مطرح می‌کند که می‌کوشد هزینه‌ها را به حداقل و منافع را به حداکثر برساند و در سیستمی عمل می‌کند که در آن احزاب برای به حداکثر رساندن رأی فعالیت و شهروندان به طور عقلانی فعالیت می‌کنند (راش، ۱۳۸۱: ۱۴۰). در واقع داونز گزینش‌های سیاسی را مانند گزینش‌های اقتصادی می‌داند. او می‌گوید در بازار اقتصادی، مصرف‌کننده، کالاها را از نظر قیمت و مرغوبیت مقایسه می‌کند و کالایی را می‌خرد که از لحاظ اقتصادی، خرید آن‌ها معقول باشد و نیز در بازار سیاسی، رأی خود را خرج حزبی خواهد کرد که با توجه به اطلاعات موجود، احتمال برآورده کردن اهداف او در آن بالاست. در این مورد، موقعیت اجتماعی یا وفاداری حزبی عواملی کم‌اهمیت‌تر از تلاش عقلانی برای حزب یا فردی است که منافع فردی رأی‌دهندگان را (که اغلب منافع اقتصادی دانسته می‌شود) به بهترین شکل تأمین می‌کند. این رهیافت لزوماً با وفاداری حزبی سازگار نیست، اما بر اهمیت مسائل مطرح در انتخابات تأکید می‌ورزد. در واقع اهمیت مسائل معینی ممکن است سبب استمرار رأی دادن به یک حزب باشد یا به زعم خود داونز، برخی حوزه‌های موضوعی از نظر انتخاب‌کنندگان بسیاری اهمیت خواهند داشت. صرف‌نظر از مسائل کوچکی که بر مبارزات سایه می‌اندازد، این‌گونه انتخاب‌کنندگان اغلب به عنوان بخشی از یک گروه اجتماعی همبسته مرتبط به همان موضوع، در نتیجه ذهنیت‌های همیشگی‌شان پیوسته به یک حزب رأی خواهند داد. بدین ترتیب مفهومی گسترده از این رهیافت اجازه می‌دهد جنبه‌هایی از وفاداری حزبی و رهیافت‌های جامعه‌شناختی در توضیحات آن بگنجد. رهیافت گزینش عقلانی به رأی‌دهنده اجازه می‌دهد براساس سابقه حکومت رأی دهد، با نگاه به گذشته داوری کند و از این راه قول‌های نامزدها و حزب‌ها را نادیده بگیرد. به یقین، دلیلی قوی هست که وضع اقتصادی در زمان انتخابات تعیین‌کننده قدرتمند رفتار انتخاباتی است (کریمی بجدن، به نقل از: رضایی، ۱۳۹۲: ۲۰).

11. Anthony Downs





## ۲.۲.۲. نظریه عوامل اجتماعی - اقتصادی سیمور مارتین لیپست<sup>۱۲</sup>

لیپست (۱۹۶۰) جامعه‌شناس سوئدی در کتاب خود به نام *انسان‌شناسی تلاش می‌کند تا در دو سطح توصیف و تبیین، مدل نسبتاً جامعی از عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی و شرکت در انتخابات ارائه کند*. به گفته او، الگوی شرکت در انتخابات در اکثر کشورها یکسان است. بدین صورت که مردان بیشتر از زنان، آموزش دیده‌ترها بیشتر از کمتر آموزش دیده‌ها، شهرنشینان بیشتر از روستائیان، ۳۵-۵۵ ساله‌ها بیش از جوانان و پیران، متأهلان بیش از مجردان، افرادی با منزلت اجتماعی بالا بیشتر از افرادی با منزلت اجتماعی پایین، اعضای سازمان‌های مختلف بیش از غیر عضوها در انتخابات شرکت میکنند (کاظمی پور، ۱۳۸۳: ۲۱۹-۲۱۸) این محقق عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان شرکت در انتخابات را به شرح زیر دسته‌بندی کرده است:

۱. ارتباط سیاست‌های دولت با فرد: یعنی اینکه علایق و منافع فرد تا چه حد در معرض تأثیر سیاست‌های دولت است: الف. وابستگی به حکومت به عنوان کارمند آن؛ ب. در معرض فشار اقتصادی ناشی از اعمال دولت قرار گرفتن؛ پ. در معرض محدودیت‌های اقتصادی حکومتی بودن؛ ت. دارا بودن ارزش‌های اخلاقی - مذهبی متأثر از سیاست‌های دولت؛ ث. دسترسی بر حقوق سیاسی مرتبط؛ ج. وضعیت‌های عمومی بحرانی

۲. دسترسی به اطلاعات: یعنی افراد چه میزان به اطلاعات مربوط به تصمیمات سیاسی و علایق و منافع خود دسترسی دارند: الف. بصیرت نسبت به آثار سیاست‌های حکومت؛ ب. آموزش شغلی و تجربی بینش عمومی؛ پ. تماس و ارتباط؛ ت. میزان اوقات فراغت
۳. فشار گروهی برای رأی دادن: یعنی فرد برای رأی دادن چه میزان در معرض فشارهای اجتماعی سوق دهنده است: الف. محرومیت از مزایای اجتماعی و بیگانگی؛ ب. قوت و قدرت سازمان سیاسی طبقات؛ پ. میزان تماس‌های اجتماعی؛ ت. هنجارهای گروهی مخالف با رأی دادن.

۴. فشارهای گوناگون: یعنی اینکه افراد در رأی دادن تحت فشار احزاب سیاسی مختلف نباشند: الف. منافع متضاد؛ ب. اطلاعات و آگاهی متضاد؛ پ. فشارهای گروه‌های متضاد (خوش‌فر، ۱۳۸۷: ۱۲۵)

متغیرهای مورد نظر لیپست در تبیین مشارکت سیاسی را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم - بندی کرد:

۱. موقعیت اقتصادی خانواده که متغیرهایی چون سطح درآمد، شغل، محل سکونت و منزلت را دربر می‌گیرد. این متغیرها از نظر لیپست به عنوان متغیرهایی پایه‌ای عمل می‌کنند که به طور غیر مستقیم از طریق برخی متغیرهای دیگر نظیر ایدئولوژی سیاسی، عضویت حزبی و ...

12. Seymour Martin Lipset



رفتار سیاسی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

۲. موقعیت‌های اجتماعی فرد که متغیرهایی چون وضعیت تأهل، مشارکت در نهادهای سیاسی - اجتماعی، شهری یا روستایی بودن، مهاجر یا بومی بودن، سطح تحصیلات و میانسال یا جوان بودن را در بر می‌گیرد.

۳. موقعیت سیاسی - مذهبی فرد که متغیرهای این دو وجه تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند. متغیرهایی چون ایدئولوژی سیاسی فرد که ارتباط تنگاتنگی با میزان مذهبی بودن دارد، به نوبه خود متأثر از ویژگی سیاسی خانواده نیز هست (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۰۶).

### ۲.۳. رانت و دولت رانتیر

آدام اسمیت و دیوید ریکاردو اولین اقتصاددانانی هستند که در ارتباط با رانت بحث کرده‌اند. ریکاردو معادن و زمین را منبع رانت برای مالکان آن می‌دانست (سردارآبادی، ۱۳۸۴: ۳۰). رانت در لغت به معنای بهره مالکانه، کرایه و اجاره است و در واقع در آمدی که از مواهب طبیعی به دست می‌آید. به تعبیری دیگر، رانت جویی فرایندی است که طی آن یک فرد، نهاد یا گروه صاحب اطلاعات، فرصت‌ها و امتیازهایی شوند که دیگران از آن بی‌بهره‌اند و با تصاحب این فرصت‌ها به سرمایه‌های مالی و موقعیت‌های ممتاز سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دست یابند. در این مفهوم از رانت نوعی ارتکاب به فساد نهفته است و این استفاده آگاهانه از امتیازات ویژه که دیگران در شرایط مساوی از آن بهره‌ای ندارند، اغلب زائیده انحصار است (موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲: ۳۴).

مفهوم دولت رانتیر اغلب برای تبیین مسائل مختلف در کشورهایی استفاده می‌شود که رانت در اقتصاد داخلی آن‌ها نقش مسلط ایفا می‌کند. حسین مهدوی (۱۹۷۰) برای اولین بار این نظریه را مطرح کرد. او از این نظریه برای تبیین توسعه اجتماعی - سیاسی و اجتماعی - اقتصادی در بسیاری از کشورهای خاورمیانه استفاد کرد که مبلغ هنگفتی پول از راه صادرات نفت و گاز دریافت می‌کردند (Mahdavy, 1970: 428). تعریف وی از دولت رانتیر کشوری است که مقدار قابل توجهی رانت خارجی از افراد یا دولت‌های خارجی دریافت می‌کند (Karl, 2004: 661). براساس تعریف ببلاوی،<sup>۱۳</sup> دولت رانتیر باید ویژگی‌های مشخصی از قبیل تسلط رانت در اقتصاد دولتی، رانت خارجی و نقش اندک مردم در تولید رانت داشته باشد. بنابراین دولت رانتیر دولتی است که در آن رانت‌ها توسط بازیگران خارجی پرداخت می‌شود و این رانت به صورت مستقیم به دولت تعلق می‌گیرد. ضمن اینکه افراد معدودی در تولید این رانت سهم‌مند و اکثریت فقط درگیر توزیع یا استفاده از آن هستند (Almaz, 2015: 61). برخی



پژوهشگران سهم رانت منابع طبیعی در برابر کل درآمد دولت را به عنوان معیار رانتیر بودن دولت در نظر میگیرند. از دیدگاه حازم بیلاوی و جیا کومولوسیانی<sup>۱۴</sup> ویژگی‌های عمده دولت رانتیر شامل موارد ذیل است:

۱. ۴۲ درصد یا بیشتر از کل درآمد دولت از رانت خارجی تأمین شود.
۲. رانت هیچگونه ارتباطی با فرآیندهای تولیدی در اقتصاد داخلی کشور نداشته باشد.
۳. در یک دولت رانتیر فقط درصد کمی از نیروی کار درگیر تولید رانت است و اکثریت جامعه دریافت کننده یا توزیع کننده رانت هستند.
۴. دولت دریافت کننده اصلی رانت خارجی است و نقش اساسی در هزینه کردن آن ایفا می کند.

به اعتقاد لوسیانی و بیلاوی دولت‌های با ویژگی‌های اقتصادی فوق، شیوه خاصی در سیاست و حکومت نیز دارند که از آن با عنوان «رانتیریزم»<sup>۱۵</sup> یاد می‌شود. رانتیریزم دارای دو مشخصه عمده است: نخست اینکه رانت توسط نخبگان حاکم کنترل می‌شود و دوم اینکه این نخبگان از رانت دریافتی برای جلب همکاری و کنترل جامعه و در نتیجه حفظ ثبات سیاسی دولت استفاده می‌کنند (حاجی یوسفی، ۱۳۷۸: ۳۸-۳۷).

اگرچه مدل «دولت رانتیر» ابتدا روی مفهوم رانت پایه گذاری شد که دیوید ریکاردو<sup>۱۶</sup> در اوایل قرن نوزدهم میلادی آن را ارائه کرد، ولی ارتباط آن با تئوری رانت زمین ریکاردو شکننده است. نظریه دولت رانتیر در واقع ترکیبی از عناصر جامعه‌شناختی و سیاسی است که برای توصیف و پیش‌بینی وضعیت سیاسی و اجتماعی تعداد مشخصی از کشورهای خاورمیانه به کار می‌رود که دارای منابع غنی هیدروکربن هستند (Ozyavuz et al, 2015: 4).

## ۲. ۴. تخصیص اعتبارات در دولت‌های رانتیر

بودجه‌ریزی دولتی در هر کشوری متأثر از رفتار ۴ گروه عمده اجتماعی یعنی رأی‌دهندگان (یا تأمین کنندگان هزینه‌ها)، تیم سیاسی (شکل‌دهندگان هزینه‌ها)، بوروکرات‌ها (هزینه‌کنندگان) و گروه‌های فشار (جهت‌دهندگان هزینه‌ها) است. از منظر رهیافت انتخاب عمومی، این گروه‌ها متفاوت با یکدیگر رفتار نمی‌کنند و در عملکرد خود همواره گوشه چشمی به منافع شخصی خواهند داشت. بنابراین هنگامی که وظیفه مدیریت منابع عمومی به فردی در مقام سیاست‌گذار یا بوروکرات سپرده می‌شود، نباید تصور کرد آن‌ها آن‌گونه که موردانتظار عموم است، رفتار کنند. این گزاره به این معنا نیست که تیم سیاسی یا مجریان آن‌ها توسط

14. Giacomo Luciani

15. Rentierism

16. David Ricardo



انگیزه‌های اجتماعی هدایت نمی‌شوند، بی‌گمان بسیاری از آن‌ها از اصول اجتماعی متعالی بهره‌مند هستند و رفتارهای خود را براساس آن‌ها شکل می‌دهند، اما ساده‌انگارانه است که مدیریت منابع عمومی بر پایه این خوشبینی و امیدواری استوار باشد که تیم سیاسی و مجریان آن همواره رجحان‌های اکثریت جامعه را مدنظر قرار خواهند داد و با ابزار ناشناخته‌ای چون منفعت عمومی هدایت خواهند شد (خضری، ۱۳۸۷: ۵۲). بودجه‌ریزی و تخصیص اعتبارات با توجه نظام‌های سیاسی (دموکراتیک، اقتدارگرا و...) و همچنین منبع درآمدی دولت (مالیات یا منابع طبیعی چون نفت، گاز و...) متفاوت است. زمانی که نفت منبع کلیدی ثروت برای دولت به شمار می‌رود، این درآمد چهارچوب تصمیم‌گیری را تغییر می‌دهد. نفت ساختار انگیزشی نادرست رفتار بازیگران را در فرایند بودجه‌ریزی شکل می‌دهد. در دولت‌های با اقتصاد نفتی، نفت پایه و اساس یک دولت رانتیر و به طور کلی جامعه رانت‌جو را شکل می‌دهد که بر پایه اصل توزیع رانت ایجاد شده است؛ جایی که دولت شهروندان را حفظ کرده نه شهروندان دولت را (Puente et al, 2007: 4).

در تمامی دولت‌های رانتیر، زمامداران دولت به درآمدهای آسان‌یاب نفت دسترسی دارند. یکی از ویژگی‌های مشترک تقریباً همه دولت‌های رانتیر این است که درآمدهای حاصل از صدور نفت به طور انحصاری به دست زمامداران می‌رسد و آن‌ها قادرند این درآمدها را مبتنی بر مصالح و مقتضیات مدنظر خود هزینه کنند (کارشناس، ۱۳۸۲: ۲۰). دومین ویژگی مشترک این است که بسیاری از کشورهای نفت‌خیز در حال توسعه کمابیش همزمان با آغاز روندهای شکل‌گیری دولت به درآمدهای نفت دسترسی پیدا کردند و این وضع سبب شد جریان ورودی رانت‌های خارجی، روند شکل‌گیری نهادهای دولت را تحت تأثیر قرار دهد (میرترابی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹).

بزرگی درآمدهای نفتی، نسبت به اقتصاد کشورهای نفت‌خیز، توزیع این درآمدها را در سطح جامعه به مقوله‌ای حساسیت‌برانگیز در این دولت‌ها و بوروکراسی آن‌ها تبدیل می‌کند. این مسئله آن‌چنان اهمیت دارد که لوسیانی - از پایه‌گذاران ایده دولت رانتیر - این نوع دولت را دولت توزیع‌کننده نامیده است. او بر این باور است که عملکرد غالب این دولت، تخصیص و توزیع درآمدهای رانتی است که از خارج دریافت می‌کند (Luciani, 1986: 8). در واقع چنان‌که ادبیات نظری دولت رانتیر نشان می‌دهد، تنها نقش معنی‌دار دولت در یک کشور وابسته به منابع طبیعی، تخصیص و توزیع درآمد است.

یکی از ویژگی‌های مهم رقابت انتخاباتی در چنین کشورهایی این است که مسائل ایدئولوژیکی تحت تسلط توزیع رانت قرار می‌گیرند. مسائل ایدئولوژیکی تنها زمانی مهم هستند که اشکال سیاست‌های توزیعی را تحت تأثیر قرار دهند. در نتیجه فضای مسأله‌تک‌بعدی است و اولویت -



های رأی دهندگان بر سر این موضوع منحصر به فرد یکسان و خطی: (Wantchekon, 2002).  
(4) وقتی ظرفیت دولت پایین و توانایی رأی دهندگان برای نظارت و کنترل فعالیت‌های دولت ضعیف است، فراوانی منابع طبیعی رقابت برای کنترل دولت را افزایش می‌دهد و این موضوع منجر به کشمکش سیاسی و استفاده از رانت منابع توسط کسانی می‌شود که برای حفظ قدرت سیاسی شان کنترل دولت را به دست می‌گیرند. در مقابل، زمانی که یک کشور به لحاظ منابع ضعیف است رقابت کمتری برای کنترل دولت وجود دارد که این موضوع موجب مشارکت نخبگان و حفظ حکومت دموکراتیک است (Ibid: 5) بنابراین ظرفیت ضعیف دولت یا ضعف حاکمیت قانون رقابت سیاسی را به دو شیوه مهم تحت تاثیر قرار می‌دهد:

- ۱) فرایند بودجه ریزی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، به ویژه تا حد اجرایی می‌تواند با دستکاری در درآمد حاصل از منابع طبیعی، منافع سیاسی خود را دنبال کند.
- ۲) ظرفیت قوی دولت هزینه ناآرامی‌های سیاسی را افزایش می‌دهد و موجب از بین رفتن احزاب می‌شود (Ibid: 9).

بر اساس نظریه انتخاب عمومی، تمام هستی‌های اجتماعی ترکیب منطقی از افراد هستند و موجودیتی فراتر از افراد تشکیل دهنده ندارند (فردگرایی روش شناختی). این افراد نیز در هر مقام و جایگاهی که باشند، خواسته‌ها و منافع محدود دارند که برای تحقق آن حسابگرانه رفتار می‌کنند. سیاست ساختاری پیچیده از مبادلات میان افراد در نظر گرفته می‌شود؛ ساختاری که فرد در آن به دنبال دستیابی به اهداف فردی تعریف شده خود از طریق سازوکاری جمعی است. این گزاره در بردارنده این نکته است که در نظام دموکراسی، سیاستمداران حاکم همیشه چنان عمل می‌کنند که تعداد رأی دهندگان به خود را به حداکثر برسانند. در واقع، دولت نقش کارآفرینی را ایفا می‌کند که به جای تولید محصول در ازای دریافت پول، سیاست‌های خود را در قبال کسب آرای بیشتر به فروش می‌رساند. علاوه بر این، حاکمان برای کسب آرای لازم باید با سایر رقیبان رقابت کنند؛ همان گونه که دو یا چند انحصارگر در تلاش برای افزایش فروش کالاهایشان در بازار با یکدیگر رقابت می‌کنند. همان طور که مشتریان رضایت خود را از یک کالا با پرداخت قیمت و خرید آن اظهار می‌کنند، در عرصه سیاسی نیز مردم رضایت خود را از یک سیاست با رأی دادن به حامیان آن ابراز می‌کنند. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که شهروندان نیز مانند سیاستمداران در گزینش خود رفتار عقلایی دارند. هر یک از آنان انتخابات را دقیقاً ابزاری تلقی می‌کنند که میزان مطلوبیت درآمدی خود را با توجه به اقدامات پیش‌بینی شده یا مورد انتظار سیاستمداران حاکم در مقابل رقیبان دیگر برآورد می‌کند (Tolluk & Mueller، به نقل از دین پرست و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۵).



### ۳. پیشینه تحقیق

بررسی پیشینه پژوهش نشان داد که در این زمینه تحقیقاتی انجام گرفته که در جدول ۱ به عنوان و نتایج چند نمونه از آن‌ها در سطح خارجی و داخلی اشاره می‌شود:

جدول ۱. پیشینه تحقیق

نتیجه تحقیق	عنوان تحقیق	محقق
وجود رابطه معناداری بین درآمد حاصل از صادرات نفت و مواد معدنی با اقتدارگرایی دولت‌ها	چرا کشورهای با منابع فراوان، دولت‌های اقتدارگرایی دارند؟	وانتچکون <sup>۱۷</sup> (۲۰۰۲)
وابستگی به درآمدهای منابع طبیعی باعث تضعیف دموکراسی و مانع شکل‌گیری رقابت‌های انتخاباتی آزاد شده است.	همبستگی بین وابستگی به درآمد منابع طبیعی و رقابت‌های انتخاباتی در دولت‌های آفریقایی	پانچو کبری <sup>۱۸</sup> (۲۰۰۵)
استفاده دولت از نقش تعیین کننده نفت جهت تأثیر گذاری بر فرایند بودجه ریزی و جلب حمایت سیاسی رأی دهندگان	اقتصاد سیاسی بودجه ریزی در مناطق آند: نمونه موردی ونزوئلا.	پونته <sup>۱۹</sup> و همکاران (۲۰۰۷)
تأثیر منفی درآمدهای نفتی بر رقابت‌های انتخاباتی و سوء استفاده دولت در جهت منافع سیاسی شان	رانتجویی انتخاباتی؟ تأثیرات ملی و محلی نفت بر روی رقابت‌های انتخاباتی در حکومت‌های چند حزبی	میشل <sup>۲۰</sup> و همکاران (۲۰۱۵)
فرایند توسعه نفت محور به عنوان مصداق بارز دولت رانتیر	نفت و موانع توسعه یافتگی	عیوضی (۱۳۸۷)
بررسی فرایند رانت جویی در نظام بودجه ریزی دولتی ایران	اقتصاد سیاسی رانت جویی در بودجه ریزی دولتی ایران	خضری (۱۳۸۷)
دولت رانتیر عامل عدم توسعه یافتگی سیاسی و اقتصادی در ایران است.	اقتصادرانتی در ایران و راه‌های برون رفت از آن	فضلی نژاد و همکاران (۱۳۸۹)

17. Wantchekon

18. Panchok-Berry

19. Puente

20. Puente



افزایش درآمدهای نفتی بنا بر تجربه تاریخی نه تنها موجب رشد اقتصادی و رفاه عمومی نشده بلکه بیشتر صرف هزینه های نظامی شده است.	تأثیر درآمدهای نفتی بر ایجاد دولت رانتی و دموکراسی	عسکری (۱۳۸۹)
ساخت رانتی جوامع توسعه نیافته و در حال توسعه وابسته به درآمدهای نفتی به طور مستمر در حال تکثیر خود است. تأثیر تاریخ، باورها و ایدئولوژی های ایجاد شده در طول زمان بر این امر اهمیت فراوانی دارد. در نتیجه، نویسندگان مقاله معتقدند حتی در شرایط کاهش درآمدهای نفتی و حرکت به سوی ایجاد نهادهای دموکراتیک و حضور پر شور مردم در پای صندوق های رأی، نهادهای مذکور به ابزاری برای تکثیر رانت تبدیل می شوند.	باز تولید ساختار رانتی در ایران	قنوتی و همکاران (۱۳۹۶)

#### ۴. روش پژوهش

تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از جهت ماهیت و روش، تحلیلی - توصیفی به شمار می رود. در این تحقیق برای تحلیل رابطه بین میزان مشارکت سیاسی (انتخابات ریاست جمهوری) استان های کشور و تخصیص منابع از داده های مربوط به اعتبارات سال های ۱۳۷۵، ۱۳۸۰، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۳ و همچنین درصد رأی دهندگان استان های کشور در ۴ دوره انتخابات ریاست جمهوری استفاده شده است. از این رو با توجه به ماهیت کمی و پیوسته بودن داده ها برای تحلیل، از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی تک متغیره استفاده شده است. در این مطالعه، مشارکت سیاسی به عنوان متغیر مستقل و اعتبارات اختصاص یافته به هر استان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. بنابراین ابتدا آزمون های آماری توصیفی از چگونگی توزیع داده ها در سطح استان های کشور به عمل آمده و در این باره از آزمون های ضریب چولگی و کشیدگی به همراه آزمون کولمو نوگراف اسمیرنوف استفاده شده است. بعد از تحلیل های اولیه، در ادامه جهت تحلیل رابطه بین دو متغیر از آزمون همبستگی پیرسون در سه سطح استفاده شده است. اولین سطح آزمون، همبستگی بین میزان مشارکت سیاسی و اعتبارات اختصاص یافته به استان طی سال بعد از انتخابات، دومین سطح آن، همبستگی بین اعتبارات اختصاص یافته به استان در سال پایانی دوره روی کار بودن دولت با میزان مشارکت در ابتدای دوره و سومین سطح نیز همبستگی بین میزان اعتبار تخصیص یافته در دولت مستقر با میزان مشارکت استان طی دوره های دولت قبل انجام یافته است.



## ۵. یافته‌های تحقیق

بررسی ویژگی عمومی و کلی اعتبارات تخصیص یافته به استان‌ها طی سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۰، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۳ نشان می‌دهد که توزیع چولگی و کشیدگی اعتبارات بین استان‌های کشور نرمال نیست و تفاوت در توزیع اعتبارات بین استان‌های کشور معنی دار است. در این راستا بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که انحراف معیار مربوط به توزیع اعتبارات از میانگین فاصله زیادی دارد (جدول شماره ۲).

جدول ۲. ویژگی‌های توصیفی اعتبارات تخصیص یافته به استان‌ها

		اعتبارات ۱۳۷۵	اعتبارات ۱۳۸۰	اعتبارات ۱۳۸۵	اعتبارات ۱۳۹۳
N	Valid	31	31	31	31
	Missing	0	0	0	0
Mean		280882.3226	957130.5161	3455131.5806	1605824.0645
Std. Deviation		282145.76215	846467.41695	2838211.06173	779105.41498
Variance		7.961E10	7.165E11	8.055E12	6.070E11
Skewness		1.737	1.794	2.093	.984
Std. Error of Skewness		.421	.421	.421	.421
Kurtosis		3.685	3.705	5.533	-.205
Std. Error of Kurtosis		.821	.821	.821	.821

همچنین جهت بررسی نرمال یا غیر نرمال بودن داده‌ها (اعتبارات) از آزمون کولموگراف اسمیرنوف استفاده شده که نتایج به دست آمده نیز مؤید غیر نرمال بودن داده‌هاست. به طوری که میزان معیار تصمیم (P-Value) در ۴ دوره مورد بررسی به ترتیب ۰/۱۵۶، ۰/۱۳۴، ۰/۱۶۱ و ۰/۱۴۴ است و با توجه به اینکه این ارقام بیشتر از ۰/۵ است، این موضوع نشان می‌دهد داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند. به عبارت دیگر، برخورداری از توزیع اعتبارات بین استان‌های کشور نرمال نیست و این مسئله می‌تواند علل و عوامل مختلفی داشته باشد. نگارندگان این پژوهش قصد دارند این مسئله را از بعد میزان مشارکت سیاسی استان‌ها (میزان شرکت در انتخابات ریاست جمهوری) بررسی و تحلیل کنند.





### جدول ۳. نتایج آزمون کولموگراف اسمیرنوف

		اعتبارات ۱۳۷۵	اعتبارات ۱۳۸۰	اعتبارات ۱۳۸۵	اعتبارات ۱۳۹۳
N		31	31	31	31
Normal Parameters <sup>a,b</sup>	Mean	280882.3226	957130.5161	3455131.5806	1203705.4516
	Std.Deviation	282145.76215	846467.41695	2838211.06173	725825.75518
Most Extreme Differences	Absolute	.203	.209	.202	.206
	Positive	.203	.209	.202	.206
	Negative	-.160	-.143	-.180	-.128
Kolmogorov-Smirnov Z		1.129	1.162	1.122	1.147
Asymp. Sig. (2-tailed)		.156	.134	.161	.144

a. Test distribution is Normal.

b. Calculated from data

### ۶. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

#### ۶.۱. تحلیل همبستگی و رگرسیونی بین میزان مشارکت سیاسی و اعتبارات اختصاص یافته به استان‌ها

یافته‌های حاصل از تحلیل همبستگی بین اعتبار تخصیص یافته و مشارکت سیاسی استان‌ها در سال‌های منتخب نشان می‌دهد که همبستگی معنی‌داری بین آن‌ها وجود دارد؛ به طوری که اعتبارات تخصیص یافته در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۰، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۳ با درصد رأی‌دهندگان انتخابات ریاست جمهوری به ترتیب با ۰/۷۴۱، ۰/۷۶۶، ۰/۴۶۶ و ۰/۴۸۲ همبستگی در سطح ۰/۰۱ درصد معنی‌دار است (جدول شماره ۴).

#### جدول ۴. نتایج همبستگی بین اعتبار تخصیص یافته و مشارکت سیاسی استان‌ها در سال‌های منتخب

	اعتبارات	مشارکت سیاسی	سال تخصیص اعتبار
Pearson Correlation	۱	۰/۷۴۱**	
Sig. (1-tailed)		۰/۰۰۰	۱۳۷۵
Pearson Correlation	۱	۰/۷۶۶	۱۳۸۱
Sig. (1-tailed)		۰	
Pearson Correlation	۱	۰/۶۰۶**	۱۳۸۵
Sig. (1-tailed)		۰	
Pearson Correlation		۰/۴۶۶	۱۳۹۰
Sig. (1-tailed)		۰/۰۰۰	
Pearson Correlation	۱	۰/۴۸۲**	۱۳۹۲
Sig. (1-tailed)		۰/۰۰۰	
N	۳۱	۳۱	

\*\* . Correlation is significant at the 0.01 level (1-tailed).



همچنین در ادامه جهت تحلیل روابط بین دو متغیر مشارکت سیاسی (متغیر مستقل) و تخصیص اعتبارات (متغیر وابسته) از تحلیل رگرسیون برای ۴ دوره مختلف استفاده شده است. آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین مشارکت سیاسی و اعتبارات تخصیص یافته در سال ۱۳۷۵ ضریب همبستگی ۰/۷۴۱ در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. تحلیل رگرسیون جدول شماره (۵) برای سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که ۵۳ درصد از اعتبارات تخصیص یافته به استان‌ها را در این سال میزان مشارکت سیاسی تعیین می‌کرده است. ضریب اهمیت به دست آمده در ستون آنوا نیز مؤید همین مطلب است. ضریب بتای ۰/۷۴۱ می‌تواند میزان تأثیر نرخ مشارکت با اعتبارات تخصیص یافته را توجیه کند. همچنین با توجه به اینکه نتیجه آزمون دوربین واتسون برابر با ۲/۲۱ است و بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، پس پیش فرض استقلال خطاها رعایت شده است. در سال ۱۳۸۰ نیز همین تحلیل طبق جدول نشان می‌دهد که همبستگی بین اعتبارات تخصیص یافته با میزان مشارکت سیاسی برابر با ۰/۷۶۶ است که در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. تحلیل رگرسیون (۱۳۸۱) حاصل از جدول شماره (۵) نیز نشان می‌دهد که ۵۷ درصد از اعتبارات تخصیص یافته به استان‌ها را میزان مشارکت سیاسی آن‌ها در سال ۱۳۸۰ تعیین می‌کند.

با توجه به اینکه Sig در ستون آنوا کمتر از ۰/۰۵ است، این تحلیل نیز همین مطلب را تأیید می‌کند. همین طور نتایج نشان می‌دهد که رابطه متغیر وابسته تحقیق (اعتبارات تخصیص یافته) با متغیر مستقل پژوهش (درصد آرای اخذ شده) با حاصل شدن ضریب اهمیت کمتر از ۰/۰۵ و بتای ۰/۷۶۶ معنی‌دار شده است. در واقع درصد آرای اخذ شده در هر استان می‌تواند پیش‌بینی کننده ۵۷ درصد از اعتبارات تخصیصی به این استان‌ها باشد. همچنین با توجه به اینکه نتیجه آزمون دوربین واتسون برابر با ۱/۷۱ است و بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین پیش فرض استقلال خطاها رعایت شده است.

**جدول ۵. نتایج پانلی حاصل از همبستگی، تحلیل رگرسیون، تحلیل آنوای درصد مشارکت سیاسی و تخصیص اعتبارات**

t	F	Sig in Anova	درین واتسون	$\beta$	B	Adjusted $R^2$	R	سال
۵/۲۹	۲۸/۰۴	۰	۲/۲۱	۰/۷۴۱	۰/۵۷۶	۰/۵۳۰	۰/۷۴۱	۱۳۷۶
۵/۸۳	۳۴	۰	۱/۷۹	۰/۷۶۶	۰/۵۳۲	۰/۵۷۰	۰/۷۶۶	۱۳۸۱
۳/۸۸	۱۵	۰/۰۰۱	۲/۰۸	۰/۶۰۶	۰/۳۹۴	۰/۳۴۲	۰/۶۰۶	۱۳۸۴
۲/۷۸	۷/۷۶	۰/۰۰۹	۲/۰۵	۰/۴۶۶	۰/۳۶۰	۰/۱۸۹	۰/۴۶۶	۱۳۸۸
۲/۹۱	۸/۴۸	۰/۰۰۷	۱/۷۴	۰/۴۸۲	۰/۳۴۴	۰/۲۰۵	۰/۴۸۲	۱۳۹۰

نتایج حاصل از تحلیل همبستگی در جدول نشان می‌دهد که بین اعتبارات تخصیص یافته در سال ۱۳۸۵ با میزان مشارکت سیاسی در سال ۱۳۸۴ نیز ضریب همبستگی ۰/۶۰۶ در سطح



۰/۰۱ معنی دار است. در مقایسه با سال‌های قبل نرخ مشارکت سیاسی پیش‌بینی کننده ۳۴/۲ درصد از اعتبارات تخصیص یافته به استان‌ها طی این سال است. با توجه به ضریب اهمیت به دست آمده در جدول آنوا، مقدار به دست آمده معنی دار است. نتیجه حاصل شده برای آزمون دوربن واتسون نیز نشانگر رعایت پیشفرض استقلال خطاهاست.

همان‌طور که جدول شماره (۵) نیز نشان می‌دهد بین اعتبار تخصیص یافته به استان‌ها با مشارکت سیاسی آن‌ها در سال ۱۳۸۸ نیز همبستگی با ضریب ۰/۴۶۶ در سطح ۰/۰۱ درصد معنی دار است. تحلیل رگرسیون نیز حاکی از آن است که طی سال ۹۰ اعتبار اختصاص یافته ۱۸/۹ درصد تحت تاثیر میزان مشارکت سیاسی استان‌ها بوده است. تحلیل‌های بیانگر آن است که در سال ۱۳۹۲ بین مشارکت سیاسی با اعتبار تخصیص یافته همبستگی با ضریب ۰/۴۸۲ در سطح ۰/۰۱ درصد معنی دار بوده است. تحلیل رگرسیونی نیز نشان می‌دهد که در سال ۹۳، ۲۰/۵ درصد از اعتبار تخصیص یافته بین استان‌ها با مشارکت سیاسی در ارتباط بوده است.

در ادامه سعی بر پرداختن به این مسئله بود که آیا در یک دولت میزان مشارکت در اولین دوره ریاست جمهوری با اعتبار تخصیص یافته با سال دوم رابطه دارد یا نه؟ به همین منظور مشارکت سیاسی سال ۱۳۷۶ با اعتبار تخصیص یافته در سال ۱۳۸۰ مورد تحلیل آزمون همبستگی قرار گرفت. نتیجه این آزمون نشان می‌دهد بین مشارکت سال ۱۳۷۶ با اعتبار تخصیص یافته در سال ۱۳۸۰ همبستگی با ضریب ۰/۳۶۰ در سطح ۰/۰۱ درصد معنی دار نیست.

#### جدول ۶. رابطه بین مشارکت سیاسی و تخصیص اعتبارات در دولت‌های هفتم و هشتم

		RAY75	ETEBAR80
RAY76	Pearson Correlation	۱	۰/۳۶۰
	Sig. (2-tailed)	۰	۰/۰۷۷
	N	۲۵	۲۵
ETEBAR80	Pearson Correlation	۰/۳۶۰	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۷۷	۰
	N	۲۵	۲۸

همچنین بررسی رابطه بین میزان مشارکت سیاسی و اعتبارات تخصیص یافته در دولت نهم و دهم نشان می‌دهد که میزان مشارکت سیاسی در سال ۱۳۸۴ با اعتبارهای اختصاص یافته در دوره دوم ریاست جمهوری (۱۳۹۰) رابطه معنی داری نداشته است. به طوری که نتایج آزمون همبستگی حاکی از آن است که بین مشارکت سیاسی در سال ۱۳۸۴ با تخصیص اعتبارات در



سال ۱۳۹۰ با ضریب ۰/۰۹۵ در سطح ۰/۰۱ درصد معنی دار نیست.

جدول ۷. رابطه بین مشارکت سیاسی و تخصیص اعتبارات در دولتهای نهم و دهم

		RAY84	ETBAR90
RAY84	Pearson Correlation	۱	-۰/۰۹۵
	Sig. (2-tailed)	۰	۰/۶۲۹
	N	۲۸	۲۸
ETBAR90	Pearson Correlation	-۰/۰۹۵	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۶۲۹	۰
	N	۲۸	۳۰

## ۷. جمع بندی

پژوهش حاضر در راستای تحلیل و بررسی مبانی تئوریک و همچنین شواهد تجربی در زمینه نقش دولت در تخصیص منابع در اقتصادهای وابسته به منابع طبیعی به ویژه نفت و رابطه آن با میزان مشارکت سیاسی انجام یافت. بررسی ها نشان داد که در کشورهای وابسته به اقتصاد منابع طبیعی، انحصار درآمدهای حاصل فروش آن‌ها در دست دولت موجب شکل گیری دولت رانتیر می شود. بنابراین دولت از این اهرم در جهت تثبیت و حفظ قدرت سیاسی خود استفاده می کند. به طوری که مناطق و گروه‌هایی که دولت را به لحاظ مشارکت سیاسی پشتیبانی می کنند، بیشترین سهم را از این درآمدها به خود اختصاص می دهند. زمانی که منبع اصلی در آمد دولت، منابع معدنی باشد این درآمدها نظام بودجه ریزی و تخصیص اعتبارات در فضای جغرافیایی یک سرزمین را براساس منافع دولت تغییر می دهند و نقش توزیع کنندگی رانت توسط دولت را تقویت می کنند. در چارچوب نظریه انتخاب عمومی، بودجه ریزی و تخصیص منابع در کانون فرایندهای سیاسی قرار می گیرد. به این مفهوم که رانت جویی در اقتصادهای نفتی توسط کلیه بازیگران و مشارکت کنندگان سیاسی، موجب شکل گیری بازار مبادله ای می شود که در یک طرف دولت تخصیص منابع و در سمت دیگر افراد، مشارکت سیاسی (انتخابات) خود را به عنوان یک کالا باهم مبادله می کنند. بنابراین ایران به عنوان کشوری که بخش عمده اقتصاد آن وابسته به درآمدهای حاصل از صادرات نفت است، همواره دولت ساختاری رانت گرا داشته و می تواند از این ابزار در جهت جلب حمایت سیاسی مناطق و گروه‌ها از طریق اثرگذاری بر چارچوب تخصیص منابع استفاده کند. از این رو با توجه به این موضوع، مقاله به دنبال تحلیل رابطه بین میزان مشارکت سیاسی مناطق (شرکت در انتخابات ریاست جمهوری) و تخصیص منابع در ایران انجام گرفت که نتایج ذیل حاصل شد:



- بررسی نرمال یا غیرنرمال بودن داده‌ها (اعتبارات تخصیص یافته به استان‌ها) با استفاده از آزمون کولموگراف اسمیرنوف حاکی از غیرنرمال بودن داده‌ها (توزیع اعتبارات) است. به طوری که میزان معیار تصمیم (P-Value) در ۴ دوره مورد بررسی به ترتیب ۰/۱۳۴، ۰/۱۶۱ و ۰/۱۴۴ است و بیش از ۰/۵ بودن این ارقام نشان می‌دهد داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند

- تحلیل همبستگی بین اعتبار تخصیص یافته و مشارکت سیاسی استان‌ها (درصد شرکت کنندگان در انتخابات ریاست جمهوری) در سال‌های منتخب نشان می‌دهد که همبستگی معنی‌داری بین آن‌ها وجود دارد. به طوری که اعتبارات تخصیص یافته در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۰، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۳ با درصد رأی‌دهندگان انتخابات ریاست جمهوری به ترتیب با ۰/۷۴۱، ۰/۷۶۶، ۰/۴۶۶ و ۰/۴۸۲ همبستگی در سطح ۰/۰۱ درصد معنی‌دار است.

- تحلیل رگرسیونی بین دو متغیر مشارکت سیاسی (متغیر مستقل) و تخصیص اعتبارات (متغیر وابسته) برای سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۸۱، ۱۳۸۴، ۱۳۸۸، ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که به ترتیب ۵۳، ۵۷، ۳۴/۲، ۱۸/۹، ۲۰/۵ درصد از اعتبارات تخصیص یافته به استان‌ها را در این سال می‌تواند میزان مشارکت سیاسی تعیین کند.

- نتایج حاصل از تحلیل آنوا (ANOVA) نیز نشان می‌دهد که در دوره‌های مورد بررسی مقدار Sig=۰۰۰۰ و کمتر ۰/۰۵ است. از این رو می‌توان گفت تخصیص اعتبارات در دوره‌های مورد بررسی در ارتباط با میزان شرکت کنندگان در انتخابات ریاست جمهوری تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد.

- همچنین نتایج تحلیل همبستگی نشان می‌دهد که بین میزان مشارکت سیاسی در اولین دوره ریاست جمهوری با اعتبار تخصیص یافته در دوره بعدی در یک دولت خاص (دولت هفتم و هشتم - دولت نهم و دهم)، رابطه معنی‌داری وجود ندارد. به طوری که در دولت‌های هفتم و هشتم تحلیل همبستگی با ضریب ۰/۳۶۰ و در دولت‌های نهم و دهم تحلیل همبستگی با ضریب ۰/۰۹۵ در سطح ۰/۰۱ درصد معنی‌دار نیستند.

## ۸. پیشنهادها

با توجه مباحث مطرح شده در پژوهش حاضر، به دلیل وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی و در نتیجه نقش مسلط دولت در نحوه توزیع این درآمدها، به نظر میرسد برای توسعه متوازن کشور باید در فرایند بودجه‌ریزی و تخصیص اعتبارات به استان‌ها اصلاحاتی صورت گیرد و از یک الگوی متمرکز دولتی به الگوی مشارکتی تغییر کند. از این رو پیشنهادهای ذیل می‌تواند در این زمینه مفید باشد:



- در راستای کاهش رانت در نظام بودجه‌ریزی باید تمرکززدایی در این زمینه صورت بگیرد و اختیارات دولت مرکزی به دولت‌های محلی (استانداری‌ها) واگذار شود.
- نظام بودجه‌ریزی کشور و تخصیص اعتبارات بر اساس توان و پتانسیل‌های داخلی مناطق (استان‌ها) تدوین شود که این موضوع می‌تواند موجب شکل‌گیری رقابت بین استان‌ها در جهت افزایش درآمد شود.
- فرایند بودجه‌ریزی باید بر اساس مشارکت همه شهروندان انجام بگیرد و از یک الگوی پایین به بالا تبعیت کند زیرا فقط در این صورت است که تخصیص اعتبارات با یک شناخت واقعی از مسائل و مشکلات صورت می‌گیرد.
- بخشی از درآمدهای نفتی باید عمدتاً به نفع مناطق کم‌برخوردار توزیع شود تا بتواند شکاف نابرابری بین مناطق را کاهش دهد.

### کتابنامه

- برنل، پیتر و رندال ویکی. ۱۳۸۷. *مسائل جهان سوم: مطالعه سیاست در جهان در حال توسعه*. ترجمه احمد ساعی و سعید میرترابی. تهران: نشر قومس.
- بشیری، حسین. ۱۳۷۷. *مشارکت، رقابت و توسعه سیاسی*. مجموعه مقالات مشارکت سیاسی. تهران: نشر سفیر.
- پناهی، محمدحسین و اشرف امینی. ۱۳۹۰. «دولت رانتی، اقتصاد دولتی، فرهنگ سیاسی و سرمایه اجتماعی در ایران (۱۳۸۴-۱۳۶۸)». *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا*. شماره ۷. صص ۹۴-۵۹.
- توفیقی، حمید و حسن یحوی رازلیقی. ۱۳۹۵. «تأثیر رانت نفتی بر کیفیت نهادها در اقتصادهای نفتی». *سیاست‌گذاری اقتصادی*. سال ۸. شماره ۱۶. صص ۴۰-۲۱.
- حاجی یوسفی، امیر محمد. ۱۳۷۸. *دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حیدری، محمدرضا و دیگران. ۱۳۹۵. «دلالت‌های اقتصاد نهاد‌گرای جدید برای تجویز دولت مطلوب در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت». *اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*. شماره ۱۲. صص ۱۶۹-۱۵۲.
- خضری، محمد. ۱۳۸۷. «اقتصاد سیاسی رانت‌جویی در بودجه‌ریزی دولتی ایران». *پژوهشنامه علوم سیاسی*. شماره ۴. صص ۷۲-۳۹.
- دین‌پرست، فائز و علی ساعی. ۱۳۹۱. «دولت رانتیر و سیاست‌گذاری توسعه: تحلیل موانع توسعه اقتصاد ملی در ایران (۱۳۸۴-۱۳۶۸)». *جامعه‌شناسی تاریخی*. شماره ۲. صص ۸۶-۴۷.
- راش. مایکل. ۱۳۸۱. *جامعه و سیاست*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: سمت.



رضایی، حسین. ۱۳۹۲. «نظریه‌های مشارکت سیاسی با رویکرد انتخابات». فصلنامه مطالعات انتخابات. شماره ۵ و ۶. صص ۴۱-۷.

ساروخانی، باقر. ۱۳۷۰. *دایره‌المعارف علوم اجتماعی*. تهران: انتشارات کیهان.  
سردارآبادی، خلیل‌الله. ۱۳۸۴. «قدرت و رانت‌جویی سیاسی». گزارش. شماره ۸۴. صص ۳۳-۳۰.  
\_\_\_\_\_ ۱۳۸۳. «سازوکار و ویژگی‌های رانت‌جویی سیاسی در ایران». *فرهنگ اندیشه*. سال ۳. شماره ۱۱. ۹۴-۶۷.

علیخانی، فرشاد. ۱۳۸۶. «مدیریت مشارکتی: رویکردی راهبردی در تحول نظام اداری». در دومین همایش کنفرانس بین‌المللی مدیریت (۵-۲/۲/۱۳۸۳). دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف. مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت. تهران: دانشگاه صنعتی شریف. صص ۲۷۳-۲۵۹.

عیوضی، محمدرحیم. ۱۳۸۷. «نفت و موانع توسعه یافتگی». *راهبرد یاس*. شماره ۱۳. صص ۷۱-۵۵.  
فضلی‌نژاد، سیف‌الله و مرتضی احمدیان. ۱۳۸۹. اقتصاد رانتی در ایران و راه‌های برون‌رفت از آن. *ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*. شماره ۱۱ و ۱۲. صص ۱۵۸-۱۲۹.  
کارشناس، مسعود. ۱۳۸۲. *نفت، دولت و صنعتی شدن در ایران*. ترجمه علی اصغر سیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب. تهران: گام‌نو.

کاظمی‌پور، شهلا. ۱۳۸۳. «نقش اجتماعی شدن سیاسی و عوامل اجتماعی‌کننده در مشارکت سیاسی». مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی. تهران: انتشارات علامه طباطبایی.

متوسلی، محمود و جمال فتح‌اللهی. ۱۳۸۹. «مقدمه‌ای بر نظریات ویلیامسون و کاربرد آن در تحلیل مسائل توسعه ایران». فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی. شماره ۳. صص ۵۲-۲۵.  
موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد. ۱۳۸۲. *فساد مالی و اقتصادی: ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله*. جلد ۲. تهران: انتشارات موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد.

میرترابی، سعید، بهمن نوربخش و مهتاب ساری‌اصلاتی. ۱۳۹۳. «علل قابلیت‌های متفاوت دولت‌های توسعه‌گرا و رانتیر در کمک به روند توسعه». *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*. سال ۱. شماره ۲. صص ۳۶-۷.  
نظری، سید غنی، حسین بشیری گیوی و سعید جنتی. ۱۳۹۲. «تأثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی». *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. شماره ۱. صص ۱۴۶-۱۳۷.

هاشمی، ضیا، فولادیان، مجید و فاطمی‌امین، زینب. ۱۳۸۸. «بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران». *پژوهشنامه علوم سیاسی*. شماره ۱. صص ۲۲۶-۱۹۹.  
همایون کاتوزیان، محمدعلی. ۱۳۸۴. *اقتصاد سیاسی ایران*. ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی. چاپ ۱۱. تهران: مرکز.



- Acemoglu, D, Johnson, S., Robinson, J.A. 2005. The rise of Europe: Atlantic trade, institutional change and economic growth. *American Economic Review*, in press.
- Almaz, A.2015."Testing the Rentier State Theory: The Case of Azerbaijan". *Journal of Global Analysis*. Vol5. No 1 – 2. pp 59-72.
- Bénabou, R.2000. "Unequal Societies: Income Distribution and the Social Contract". *American Economic Review*.No90. pp 96-129.
- Easaw, Joshy& Savoia, Antonio.2005. Inequality in developing economies: The role of institutional development. ECINEQ. [www.ecineq.org](http://www.ecineq.org).
- El-Katiri, Laura, Fattouh, Bassam, Segal, Paul. 2011. Anatomy of an Oil-Based Welfare State: Rent Distribution in Kuwait Research Paper, Kuwait Programme on Development, Governance and Globalisation in the Gulf States, [www.lse.ac.uk/LSEKIP/](http://www.lse.ac.uk/LSEKIP/)
- Jensen, Nathan&Wantchekon, Leonard .2004. "Comparative Political Studies". *Comparative Political Studies*, Vol37. No7.pp 816-841.
- Karil, Terry Lynn .2004. "Oil-Led Development: Social, Political and Economic Consequences". *Encyclopedia of Energy*. Vol 4.
- Luciani, G.1996. Allocation vs. Production States: A Theoretical Framework in Hazem Beblawi and Giacomo Luciani, (eds.), *The Arab state*, New York: Groom Helm.
- Mahdavy, H. 2013. The Patterns and Problems of Economic Development in Rentier State: the Case of Iran. Viewed on 27th of August 2013 from <http://www-personal.umich.edu/~twod/oils2010/rents/Mahdavy.pdf>
- Norris, P. 2002. *Democratic Phoenix: Reinventing Political Activism*. New York: Cambridge University Press.
- Ozyavuz, Anais&Schmid, Dorothee .2015. Persistence and Evolutions of the Rentier State Model in Gulf Countries, The Institute français des relations Internationales (Ifri), [Ifri.org](http://Ifri.org).
- Puente, José Manuel, Daza, Abelardo, Rios, Germán, Rodríguez, Alesia.2007.The Political Economy of the Budget Process in the Andean Region: The Case of Venezuela Inter-American Development Bank 1300 New York Avenue, N.W.Washington, DC 20577,
- Refaei, Mostafa .M.2015.Political Participation in Egypt: Perceptions and Practice, Masar Citizenship Project, Spanish Agency for International Development Cooperation (AECID).
- Vrablikova, K.2010. conference of Contextual Determinants of Political Participation in Democratic Countries. Civic. Political and Cultural Engagement Among Migrants, Minorities and National Populations: Multidisciplinary Perspectives. Centre for Research on Nationalism, Ethnicity and Multiculturalism (CRONEM). University of Surrey. Guildford, UK. June 29th-30<sup>th</sup>.
- Wantchekon, L .2002. "why do Resource Abundant Countries Have Authoritarian Governments?". *Journal of African Development*. vol 5. No 2. pp 145-176.